

قمار روسی ایالات متحده

هوشنگ امیراحمدی

<http://earanian.blogfa.com/>

پنجشنبه 15 دی 1384 ساعت 18:56

این مقاله ترجمه مقاله "The New Multi-Prong American Iran Policy and the US' Russian Gamble" میباشد که در شماره 36 خبرنامه شورای امریکاییان و ایرانیان در دسامبر 2005 منتشر شده است.

همانگونه که انتظار میرفت شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی در جلسه مورخ 24 نوامبر سال 2005 خود هرگونه تصمیمی در مورد برنامه هسته ای ایران را به جلسات بعدی خود موکول کرد. این اقدام بدین منظور انجام شد تا فرصتی برای از سرگیری مذاکرات بین اروپا و ایران، این بار به میانجی گری روسیه، و بر مبنای طرحی که به "طرح روسیه" معروف شده است، ایجاد گردد. این طرح که در اوایل ماه نوامبر مطرح شد هنوز در جایی چاپ نشده و در مورد جزئیات آن اطلاع دقیقی در دست نیست. پیش بینی می شود که این مذاکرات بین ایران و اروپا در دسامبر سال 2005 شروع گردد و انتظار می رود که این مذاکرات تا زمان جلسه بعدی شورای حکام در ماه مارس سال 2006 ادامه یابد. ایران گفته است که از مذاکرات با اروپا بر مبنای طرح فدراسیون روسیه استقبال می کند ولی هیچ پیش شرطی را نمی پذیرد.

بر اساس گزارشات جسته و گریخته در مورد طرح روسیه، ایران می تواند در داخل کشور (در کارخانه تبدیل در اصفهان) اورانیوم را به گاز تبدیل کند. اما باید عملیات غنی سازی اورانیوم را به کشور روسیه انتقال دهد و کارخانه غنی سازی خود در نطنز هم را برای همیشه ببندد. در مقابل، ایران می تواند تا 35 درصد از سهام کارخانجات روسیه را که اورانیوم گاز شده ایران را غنی می کنند بخرد. سپس ایران می تواند اورانیوم غنی شده را به عنوان سوخت برای کارخانه انرژی هسته ای اش در بوشهر وارد نماید. این همان کارخانه ای است که روسیه از سالها پیش در حال ساختن آن است و هنوز تاریخ دقیقی برای تکمیل و راه اندازی آن متصور نیست. همچنین، بر اساس توافقی که هم اکنون بین ایران و روسیه انجام گرفته، ایران باید ضایعات سوخت مصرف شده را به روسیه بازگرداند. در این صورت ایران قادر نخواهد بود که از این ضایعات برای تولید پلاتونیوم در جهت ساختن بمب اتمی استفاده کند.

در اوایل نوامبر 2005 "نیویورک تایمز" در گزارشی فاش کرد که امریکا و متحدان اروپاییش در طراحی طرح روسیه دست داشته اند. این درحالی است که، همانطور که در شماره 35 خبرنامه شورای امریکاییان و ایرانیان نوشتم (AIC Update)، امریکا هرگونه دخالتی را در هر طرحی برای مذاکره با ایران بر سر جریان هسته ای اش انکار کرده است. با این احوال، وزیر امور خارجه امریکا، خانم کاندولیزا رایس، که از طرف امریکا درباره موضوع اتمی ایران صحبت میکرد، پشتیبانی اش را از روسیه و اروپا در مذاکرات اتمی با ایران تأیید نمود. در حالیکه امریکا تمایلی به مذاکره مستقیم با ایران ندارد اما به طور غیرمستقیم مذاکرات اتمی بین ایران و سه کشور اروپایی (بریتانیا، فرانسه و آلمان) را که از ماه اکتبر سال 2003 آغاز شد تحمل کرده است، و اینک نیز به طور غیرمستقیم و برای منظور خاص خود، که جدائی ایران و روسیه است، طرفدار مذاکرات سه جانبه ایران، روسیه و اتحادیه اروپا است.

اگرچه امریکا دخالت خود را انکار کرده است، اما من در مورد این احتمال که امریکا مبتکر طرح روسیه نباشد شک دارم، چرا که، همانطوری که خواهیم دید، این طرح قابلیت منزوی کردن بیشتر ایران و سوق دادن چین و روسیه به سوی امریکا و اروپا را دارد.

در واقع، چند روز قبل از مطرح شدن طرح روسیه، دکتر محمد البرادعی، مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی، به منظور مشورت با مقامات رسمی آمریکا در واشنگتن به سر می برد. این حقیقت هم که آمریکا در جلسه 24 نوامبر سال 2005 برای ارجاع ایران به شورای امنیت سازمان ملل، فشاری بر شورای حکام آژانس نیاورد نشان دیگری است که آمریکا خود مبتکر طرح روسیه است. در واقع، آمریکا در این جلسه ایران را حتی بابت دراختیار داشتن مدرکی که نماینده بریتانیا از آن به عنوان "شاهدی بسیار نگران کننده" برای اروپا اسم برد به باد انتقاد نگرفت.

ایران خود مدرک مزبور را چند روز قبل از جلسه شورای حکام به آژانس بین المللی انرژی اتمی ارائه داده بود. این مدرک که هنوز برای عموم قابل دسترس نیست، چگونگی مراحل ریخته گری و تراش فلز اورانیوم غنی شده و تبدیل آن به شکل کروی را شرح می دهد. این پردازش، برابر گفته نماینده بریتانیا: "هیچ کاربرد دیگری بغیر از تولید کلاهک هسته ای ندارد." اگر این مدرک باعث نگرانی اروپا شده است، آن باید آمریکا را حتی بیشتر نگران کرده باشد. با این وجود، به عقیده من، نماینده آمریکا ترجیح داد که در این مورد سکوت کند چراکه آمریکا نمی خواهد طرح روسیه خود را به خطر بیندازد. بعلاوه، همانطوری که در شماره 35 خبرنامه شورای امریکاییان و ایرانیان نوشتم، آمریکا با نقشه قبلی، رهبری دیپلماسی ظاهری درمورد مسئله هسته ای ایران را به بریتانیا محول کرده است.

ظاهراً آمریکا می خواهد از نفوذ روسیه بر روی ایران برای قطعه قطعه کردن چرخه سوخت هسته ای آن کشور استفاده کند. اما ایده آل آمریکا این است که روس ها را، همانند اروپایی ها، در زمره دشمنان هسته ای ایران در بیاورد. برابر گفته نیویورک تایمز، "اگر ایران فوراً به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع نشد، برای این هدف بود که به روسیه و شاید چین هم این فرصت را بدهند که در نهایت در مورد موضوع هسته ای ایران از اروپایی ها و امریکایی ها حمایت کنند". امریکاییان خیلی امیدوارند که چنین اتفاقی بیافتد چرا که آنها معتقدند که ایران حاضر به متوقف کردن فعالیت های غنی سازی اورانیوم خود در داخل کشور نخواهد بود. بعلاوه، همانطور که در زیر خواهم نوشت، روسیه هم نگرانی های خاص خود را در مورد مسایل هسته ای ایران دارد.

همانطوری که در شماره 35 خبرنامه شورای امریکاییان و ایرانیان نوشتم، از زمان 11 سپتامبر سال 2001، همواره ایالات متحده آمریکا فشار بر ایران را در رابطه با مسئله هسته ای بیشتر نموده و آنرا به مسئله ای بین المللی تبدیل کرده است و در حال حاضر می خواهد که سازمان ملل متحد را نیز درگیر آن کند. اگرچه آمریکا در آخرین جلسه شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی رای کافی را برای ارجاع ایران به سازمان ملل متحد داشت، اما در عین حال می دانست که روسیه، و به همان اندازه چین و سایر کشورهای جهان سوم، آمادگی پذیرش یک اقدام سریع علیه تهران را ندارند. در واقع، آمریکا مطمئن است که قطعنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی در سپتامبر 2005، ایران را در چنان تله ای گرفتار کرده است که تهران به سادگی نخواهد توانست خود را از آن بیرون بکشد. این فکر آمریکا درست است! در واقع و با توجه به شرایط مندرج در قطعنامه و همانطور که در شماره 35 خبرنامه شورای امریکاییان و ایرانیان نوشتم، هرچه زمان بیشتری می گذرد ایران بیشتر منزوی می شود.

بنابراین، امریکایی ها هیچ لزومی نمی بینند که در مورد مسئله هسته ای ایران عجله کنند چرا که زمان با آنهاست. گزارشات جاسوسی هم حاکی از آنند که ایران تا ساخت یک ابزار هسته ای سالها فاصله دارد. بر این اساس، و همانطوری که در شماره 35 خبرنامه شورای امریکاییان و ایرانیان نوشتم، آمریکا یک سیاست صبورانه برای هرچه بیشتر منزوی کردن ایران اتخاذ کرده است. آمریکا سیاست صبورانه خود را در قبال ایران همزمان با اجرای چند حرکت دیگر پیش می برد: اول، بریتانیا را موظف به راهبری یک جنگ سیاسی - روانی ضد ایرانی کرده است؛ و دوم اسرائیل را موظف کرده است که از حمله نظامی علیه تاسیسات هسته ای ایران حرف بزند. در صورت بروز یک جنگ، آنوقت دولت بوش، که در این لحظه آمادگی مواجهه با ایران را به

طور مستقیم ندارد، به حمایت از یک دوست وارد صحنه کارزار خواهد شد. بنابراین و برابرنقشه ، اگر بین ایران و اسرائیل درگیری ای پیش آید امریکا از اسرائیل حمایت می کند، و هم چنین چنانچه بین ایران و بریتانیا درگیری ایجاد شود، امریکا به حمایت از بریتانیا برمی خیزد.

سیاست امریکا در مقابل ایران دو سوی دیگر نیز دارد: یکی حمایت تبلیغاتی و مالی برای "حرکت دموکراسی خواهی مردم ایران" است و دیگری "مذاکرات مستقیم" با ایران بر سر مسائل عراق. کنگره امریکا و وزارت امورخارجه چند میلیون دلار برای حمایت از مخالفین دولت ایران و پخش اخبار وایده های ضد رژیم اسلامی اختصاص داده است، و رئیس جمهوری امریکا، جورج بوش، به سفیر امریکا در عراق، زلمی خلیل زاد، اجازه داده است که با همتای ایرانی خود در عراق ملاقات و بر سر راههایی که ممکن است ایران به کم کردن حملات تروریستی علیه نیروهای امریکایی کمک کند گفتگو کند. متاسفانه، دکتر خلیل زاد اشاره کرده است که اجازه ندارد بر سر مسایلی که مستقیما بین دو کشور وجود دارد، گفتگو کند . هر چند در حال حاضر عراق به مسئله ای تنش زا بین ایران و امریکا تبدیل شده است، اما پیشتر جزوء مسائلی نبود که امریکا علیه ایران اقامه می کرد. این مسایل عبارتند از تکنولوژی هسته ای، تروریسم، صلح خاورمیانه و حقوق بشر. گذشته از این، ایران هیچ نفوذی بر روی تروریستهایی که در عراق امریکاییها و عراقیها را می کشند، ندارد.

بنابراین، سیاست جدید صبر امریکا در مقابل ایران یک سیاست چند وجهی است. اول، سیاست مذکورکوشش دارد ایران را به سازمان ملل فرستاده و منزوی کند. برای اینکه به این هدف خود جامه عمل بیوشاند، امریکا از طرح روسیه حمایت می کند. دوم، از طریق اسرائیل و بریتانیا بر ایران فشار وارد می کند تا ایران را وادار کند که عکس العمل نشان دهد، مخصوصا عکس العمل هایی که غیر طبیعی و یا حتی خطرناک بنظر برسند. متاسفانه ایران عینا همین کار را می کند که حرف های آقای احمدی نژاد علیه اسرائیل و هولوکاست از این نوع هستند. سوم، با ایران برمسائل عراق گفتگو می کند تا به امریکایی ها و دنیا نشان دهد که جمهوری اسلامی ایران در حقیقت یک آشوبگر در عراق است. و چهارم ، از کمک کردن به ملت ایران برای بهره مندی از دموکراسی و حقوق بشر حرف می زند تا ازاین طریق حمایت عموم مردم را در ایران داشته باشد و فشار بیشتری روی حکومت تهران وارد آورد.

اگرچه امریکا برای پیشبرد سیاست صبر جدیدش در قبال ایران بیشترروی بند اول آن، یعنی حمایت از طرح روسیه اصرار دارد، سه وجه دیگر هم به پیشبرد سیاست صبر امریکا کمک می کنند. مهمترین مشکل سیاست جدید امریکا در قبال ایران، قمار بزرگی است که امریکا با روسیه روی ایران شروع کرده است. می توان دو نتیجه برای مذاکرات سه جانبه بین ایران، روسیه و اروپا متصور شد. اول، ایران طرح روسیه را قبول می کند، که احتمالش بعید است. دراین صورت امریکا بخشی از یکی از مشکلاتش را در خصوص ایران حل می کند، و آن حذف بخش غنی سازی هسته ای از چرخه سوخت انرژی اتمی ایران است. در این حالت، اما، امریکا مشکلات بیشتری را برای سیاست خارجی خود بوجود می آورد. با این کار امریکا ایران را در حوزه نفوذ روسیه قرار میدهد، و این دو کشور را دو متحد استراتژیک بر اساس تکنولوژی هسته ای می کند. با این کار امریکا ایران را به سوی روسیه سوق می دهد، پیشامدی که روسها بیشتر از یک صد سال است که منتظر آن نشسته اند.

واضح است که این نتیجه منافع بلند مدت امریکا را تأمین نمیکند. ایران کشوری است که در دو یا سه دهه آینده در بازی قدرتهای جهانی برای راهبری دنیا یک نقش محوری بازی خواهد کرد. ایران چهارمین کشور دارنده ذخایر نفتی و دومین کشور دارنده گاز است. ایران کشوری پر جمعیت و یک مرکز تجاری بزرگ است، و موقعیت جغرافیاییش بین مناطق انرژی خلیج فارس و دریای خزر از جمله دلایل اصلی توجه امریکا به این کشوربه شمار میروند. همکاری استراتژیک ایران و روسیه منجر به ایجاد نیرویی در

سرزمین پهناور آسیا و اروپا میشود که نهایتاً میتواند باعث افزایش نفوذ روسیه در خاورمیانه شود. همچنین تمایل شرقی جمهوری اسلامی نیز به ضرر امریکا خواهد بود چرا که چین امیدوار است احتیاجات رو به رشد انرژی اش را از هیدروکربنهای منطقه خلیج فارس تامین کند. اما امریکا اعتقادی ندارد که ایران از فعالیتهای غنی سازی خود در داخل کشور صرف نظر کند. اگر چنین است آنوقت نگرانی برای نزدیکی ایران و روسیه وجود نخواهد داشت. برعکس، ایران و روسیه، با یکدیگر مشکل پیدا خواهند کرد.

احتمال دوم این است که ایران و روسیه به توافق نرسند و مذاکرات سه جانبه به شکست بیانجامد. شواهد خوبی برای اینکه این حالت ممکن است اتفاق بیافتد وجود دارد، و امریکا نیز هدف خودش را در جهت این پیامد تنظیم کرده است. با استفاده از همان سیاستهایی که در طی مذاکرات اروپا و ایران بکار گرفت، یعنی همان سیاست در ظاهر نرم ولی در باطن خشن، امریکا مذاکرات ایران، روسیه و اروپا را به نفع خودش تمام خواهد کرد. اگرچه روسیه ارتباط نزدیکتری با ایران دارد اما به احتمال زیاد در مذاکرات اتمی همانند اروپا خشن برخورد خواهد کرد. ایران مرتباً گفته است که از حق خود در غنی سازی اورانیوم در داخل کشور به منظور مقاصد صلح آمیز نخواهد گذشت و هیچ نشانی از اینکه بخواهد موضع خودش را تغییر دهد وجود ندارد. همینطور، هیچ نشانه ای هم وجود ندارد که امریکا بخواهد به کمتر از حذف بخش غنی سازی در تولید چرخه سوخت اتمی ایران قانع شود. در صورتی که مذاکرات سه جانبه به شکست بیانجامد، روسیه برای ارجاع ایران به سازمان ملل، به امریکا و اروپا خواهد پیوست.

برای اینکه بفهمیم چرا الحاق روسیه به مذاکرات هسته ای قدمی به سوی ارجاع ایران به سازمان ملل است، باید چند حقیقت مهم را در مورد رابطه ایران و روسیه نیز در نظر بگیریم. در طول بیست سال گذشته، روسیه روابط اقتصادی گسترده ای را با ایران دایر کرده است. با این وجود، دیدگاه مشکوکی که ایران به دلایل تاریخی نسبت به روسیه دارد، باعث شده است که میزان این رابطه، حتی در بخش انرژی اتمی هم، محدود باقی بماند. بعد از سالها، روس ها هنوز می کوشند که کارخانه تولید انرژی هسته ای بوشهر را تکمیل کنند و در عین حال هیچ تاریخی برای اتمام آن در نظر ندارند! در بخش های انرژی و استفاده از منابع دریای خزر، روسیه و ایران در حال رقابت هستند. برای ممانعت از روابط گرمتری بین ایران و هند، روسیه حتی علاقه مند شده است در خطوط لوله ای که قرار است گاز طبیعی را از ایران و از طریق پاکستان به هند منتقل کند، یک سرمایه گذاری 7.4 میلیارد دلاری انجام دهد.

از سوی دیگر، روس ها هم به همان نسبت به مقاصد ایران مشکوکند و در زمینه تکنولوژی هسته ای حتی ظن و گمانشان بیشتر هم شده است. با وجود این، برای ادامه همکاری خود با ایران در زمینه تکنولوژی هسته ای، روسها توانسته اند موضع دو پهلویی را حفظ کنند. ظاهراً، روس ها سعی کرده اند که صدای منطقی این بحران باشند. واقعیت اما این است که آنها علاقه مندند از این بحران به نفع خود استفاده کنند. در عین حال، به دلایل جغرافیایی و استراتژیک، و بطور حساب شده ای، روسیه خود را بصورت یک نیروی کلیدی در بحران هسته ای ایران درآورده است. با احتساب اینکه روسیه در حال ساختن کارخانه انرژی هسته ای بوشهر است، برای عملیات آن سوخت تهیه خواهد کرد، و ضایعات سوخت را به خارج از ایران منتقل خواهد نمود، در واقع آن کشور در سیستم هسته ای ایران نقش مرکزی پیدا کرده است. ائتلاف امریکا و اروپا، موقعیت استراتژیک روسیه، تردیدها و منافع این کشور، و نیز بازی آن را درک می کند و قصد دارد با استفاده از همه اینها برای خاتمه دادن به بلند پروازهای ایران در زمینه تکنولوژی هسته ای اش، حتی اگر برای استفاد صلح آمیز باشد، استفاده کند.

در ماه دسامبر 2005، روزنامه رسالت چاپ تهران طی مقاله ای دیدگاه روسیه درباره بحران هسته ای ایران را تشریح کرد و به طور صحیح اینگونه نتیجه گرفت که ایران نمیتواند و نباید همه تخم مرغهایش را در سبد روسیه بگذارد. برعکس امریکاییها و اروپاییها،

روسها فکر نمیکنند که ایران هیچ یک از بخشهای اساسی از تعهداتش را به معاهده منع گسترش سلاحهای اتمی نقض کرده باشد. آنها هم چنین با ایرانیان موافقت میکنند که این بحران بیشتر جنبه سیاسی دارد تا قانونی. بعلاوه، بر خلاف غرب، روسها فکر میکنند که اگرچه ایران ذخایر عظیمی از نفت و گاز دارد، با این وجود برای مصارف آینده اش به توسعه انرژی اتمی نیاز دارد. اما مانند غرب، روسیه تولید اورانیوم غنی شده در داخل کشور را از نظر اقتصادی برای ایران توصیه نمیکند. روسیه میخواهد تنها تامین کننده سوخت برای ایران باشد. اگر طرح روسیه موفق شود، ایران هر ساله میلیونها دلار سوخت از روسیه وارد خواهد کرد.

مهم تر اینکه، روسها کاملاً متقاعد نشده اند که ایران هیچ قصدی برای بدست آوردن قابلیت ساخت بمب ندارد. ظن آنها از این حقیقت که ایران در همسایگی اتمی خطرناکی زندگی می کند نشأت می گیرد و اینکه ایران برای توسعه چرخه غنی سازی سوخت خودش اصرار دارد و برای ساخت کارخانه آب سنگین در اراک که می تواند پلوتونیوم تولید کند و هیچ استفاده ای برای تولید انرژی هسته ای ندارد اقدام کرده است. ملی گرایی اخیر ایران در زمینه هسته ای و تندیهای رئیس جمهور جدید ایران علیه اسرائیل نگرانی روس ها را حتی بیشتر کرده است. در واقع، روسها پیش بینی میکنند که در صورتی که ایران فعالیتهای غنی سازی اش را متوقف نکند بین 3 تا 5 سال دیگر می تواند ابزارهای اتمی بسازد. با در نظر گرفتن پیشرفتهای قابل ملاحظه ایران در زمینه تکنولوژی موشک، روسها پیشرفت در تکنولوژی غنی سازی را به عنوان تهدیدی برای منافع و امنیت ملی خود نیز ارزیابی می کنند.

روسها در عین حال عقیده دارند که امریکا هرگز به ایران اجازه نخواهد داد تا قابلیت ساخت بمبهای هسته ای را داشته باشد، و به همین منظور امریکاییها مصمم اند تا رژیم ایران را از غنی سازی اورانیوم در داخل کشور محروم کنند و حتی اگر احتیاج باشد برای این منظور به درگیری نظامی هم دست خواهند زد. روسها همچنین معتقدند که امریکاییها نهایتاً به آژانس بین المللی انرژی اتمی فشار خواهند آورد تا ایران را به شورای امنیت سازمان ملل برای تحمیل تحریمهای چند جانبه ارجاع دهد. روسها معتقدند که با در نظر گرفتن ذخیره ارزی چند بلیون دلاری ایران، این تحریمها کار نخواهند کرد که در این حالت امریکاییها برای استفاده از نیروی نظامی علیه ایران، همانند قضیه عراق، به سازمان ملل فشار خواهند آورد تا مجوز این کار را بگیرند. روسها از چنین اقداماتی علیه ایران نگران هستند چون فکر میکنند که مشکل هسته ای ایران راه حل نظامی ندارد.

روسها نمیخواهند که ایران را زودتر از موقع، یعنی قبل از اینکه به دیپلماسی فرصت کافی داده شود، به سازمان ملل ارجاع دهند و طرفدار راه حل نظامی نیز نیستند. در عین حال آنها در موقعیتی هم نیستند که نهایتاً بتوانند جلوی چنین تصمیماتی را بگیرند. یک مشکل جدی این است که خود روسها به رژیم اسلامی در تهران مطمئنند و طرفدار یک ایران هسته ای نیستند و هم اکنون علاقه چندانی هم ندارند که ایران از حق خود برای غنی سازی اورانیوم در داخل کشور برخوردار گردد. روسها همچنین نگران هستند که هر پشتیبانی نادرستی که از ایران بکنند میتواند در آینده باعث شرمندگی آنان گردد چرا که امریکاییها هنوز تمامی اطلاعاتی را که در مورد پروژه های هسته ای ایران در اختیار دارند به دنیا اعلام نکرده اند. در واقع، این یک استراتژی امریکایی بوده است که چنین اطلاعاتی ذره ذره و در لحظات حساس فاش گردد. این اواخر روسها متوجه شده اند که امریکاییها اطلاعات بهتری از برنامه های هسته ای ایران دارند تا آنها که سالهاست با حکومت ایران روی تکنولوژی هسته ای اش همکاری دارند. آنها از این بابت احساس شرمساری میکنند.

در خاتمه، پیوستن روسیه به ائتلاف امریکا و اروپا برای ارجاع ایران به شورای امنیت سازمان ملل تقریباً حتمی است. آنچه معلوم نیست این است که این اتفاق کی بوقوع خواهد پیوست. فقط یک شانس کوچک وجود دارد که مذاکرات سه جانبه به موفقیت برسد و ایران از این تله جدید امریکا نجات یابد. شانس کوچکی که وقوع آنها تا حدودی ایران کنترل می کند. واقعیت این است که

روسها موضع خشنی را اتخاذ کرده اند، ایران نخواهد پذیرفت که از برنامه های غنی سازی اورانیوم خود صرف نظرکند، قدرت نفوذ اروپا به نفع ایران و یا علیه ایران محدود است، و امریکا نمی خواهد ببیند این مذاکرات موفق شوند. با این وجود، و همانطوری که در شماره 35 خیرنامه شورای امریکاییان و ایرانیان نوشتم، مشخص نیست که امریکا نهایتا از موفقیت های خود علیه ایران سود ببرد، مگر اینکه دریک نقطه ای که برایش سودآوری دارد، مثلا در مقطع ارجاع ایران به سازمان ملل، متوقف شود و در جهت مذاکره مستقیم با ایران یک چرخش استراتژیک انجام دهد. در غیر این صورت، پیشرفت منطقی امریکا در قبال ایران به درگیری خطرناکی میانجامد که با منافع و آبروی امریکا و ایران در تضاد است .

هوشنگ امیراحمدی پروفیسور و رئیس مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه راتگرز و رئیس شورای امریکائیان و ایرانیان است.